



قطره

موج

دریا

بهزاد دانشگر

بعونک یا عزیز

سال‌ها از آخرین انقلاب بزرگ تاریخ (تا امروز) می‌گذرد و نسل ما میراث‌دار انقلابی است که خود نقشی در به وجود آمدنش نداشته و خاطره‌ای از آن نداریم. قبول کنیم یا نکنیم، بخواهیم یا نخواهیم این انقلاب اتفاق افتاده است و ما نسل متولدین بعد از سال‌های ۱۳۵۰ با آن مواجهیم.

این انقلاب بخشی از گذشته‌ی ماست ولی عده‌ای از ما هم چنان نمی‌دانیم چگونه شد که روزی پدران و مادران ما به خیابان آمدند و انقلابی را بنا نهادند که شاید خودشان هم تصویری از پیروزی قاطع آن نداشتند.

حال ماییم و این گذشته. ماییم و این انقلاب که بالاخره روزی باید آن را بشناسیم تا بدانیم چگونه با آن مواجه شویم.



«قطره؛ موج؛ دریا» شریک شدن در خاطرات لحظه‌هایی است که ما از آن خاطره نداریم.

«قطره؛ موج؛ دریا» روایت قطره‌هاست. روایت به هم پیوستن قطره‌ها و موج زدن‌شان. روایت موج از پس موج و دریا شدن.

«قطره؛ موج؛ دریا» از زبان قطره‌هاست، نشان دادن قطره‌هاست و درباره‌ی قطره‌هاست.



آب دریا را اگر نتوان کشید... پس به قدر تشنگی باید چشید

«قطره؛ موج؛ دریا» چشیدن دریاست.

■ امام خمینی

مطالعه کنیم در این نهضت ببینیم که این نهضت چه بود. برای چه بود؟ و چه شد که تا این جا پیروز شده است؟ و باید چه کرد که تا آخر پیروز بشود؟ نهضت‌ها در عالم خیلی بوده است. انقلابات در عالم خیلی بوده است. انقلاب در شوروی هم بود. انقلاب در فرانسه هم بود. انقلاب ایران با آن جا چه فرقی دارد؟ و انقلاب ایران برای چه هست؟ و انقلاب شوروی برای چه بود؟ مردم ایران چرا در خیابان‌ها ریختند و فریاد کردند و همه الله‌اکبر گفتند و فریاد کردند. این چه بود قضیه؟ آیا مردم ایران هم مثل شورشی‌های شوروی فریاد می‌کردند و علف می‌خواستند؟! فریاد می‌کردند و دنیا می‌خواستند؟! جوان‌های ما برای این که یک زندگی مرفهی در دنیا داشته باشند خون می‌دادند؟! این می‌شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگیش خوب باشد؟ یا خیر این یک نهضت الهی بود. این نهضت مثل نهضت‌های آن‌هایی که به خدا اعتقاد ندارند یا آن‌هایی که نهضت‌های شان نهضت‌های جهت مادی بوده، نبوده است.